

گواهان روز قیامت

(۴)



آیت الله حسن نوری

در مقاله گذشته در شرح گواهانی که در روز قیامت درباره کردار و گفتار انسانها شهادت می دهند گفته شد که براساس آیاتی از قرآن مجید و تعدادی از احادیث معتبر اسلامی علاوه بر شهادت خداوند متعال و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و ائمه هدی علیهم السلام و فرشتگان الهی هر نقطه ای از زمین که انسان در آن مرتکب عملی گردیده و یا سخنی گفته است و همچنین هر زمانی که عملی در آن انجام یافته و یا حرفی در آن زده شده است آن نقطه از زمین و آن دقیقه و ساعت از زمان بر انجام آن عمل و گفته شدن آن سخن شهادت خواهند داد بعلاوه اعضای بدن انسان نیز یکی از گواهان روز قیامت می باشد.

و در پایان این مطلب هنگامی که به توضیح این نکته پرداختیم که معنای شهادت آن است که آن شاهد موضوعی را درک کند و در وجود خود ضبط و نگهداری نماید و در موقع لزوم آن را اظهار کند و بگوید تا ادای شهادت کرده باشد این بحث پیش آمد که مکان و زمان که به اصطلاح جزء جمادات این جهان می باشند چگونه ممکن است که شهادت بدهند؟ و همچنین اعضای بدن انسان مانند چشم و گوش چگونه شهادت خواهند داد؟

در این مورد گفتیم که گروهی از علمای اسلام که از جمله آنها علامه مجلسی رضوان الله علیه می باشد این قبیل آیات و احادیث را به علت اینکه از نظر آنها شهادت

دو رخ می رسند گوشها و چشمها و پوست بدن آنها بر جرم و گناه آنها گواهی می دهند آنها به اعضای بدن خود می گویند شما چگونه بر اعمال ما گواهی دادید؟ آن اعضاء در پاسخ می گویند خدائی که همه موجودات را به نطق آورده ما را نیز گویا گردانید و او شما را نخستین بار آفریده و بازگشت شما نیز به سوی او می باشد.

شما در دنیا از اینکه گوشها و چشمهایتان و پوست بدنتان امروز بر اعمال شما شهادت بدهند هرگز پوشیده و پنهان نبودید ولی چنین گمان می کردید که اکثر اعمال شما را خداوند نمیداند، ذکر کرده است به این شرح است:

شهادت اعضای بدن در روز قیامت در صورتی تحقق پیدا می کند که این اعضا در دنیا دارای علم و شعور باشند و به آنچه که صاحبان آنها در دنیا انجام داده اند علم پیدا کنند و آن را در قیامت متذکر شوند و بر آن گواهی بدهند که تنها در این صورت است که بر آن کسی که در دنیا مرتکب آن اعمال شده است حجت و دلیل تمام می شود وگرنه اگر کسی بگوید که این اعضاء در دنیا دارای درک و شعور نیستند و خداوند در روز قیامت به آنها درک و شعور و نطق می دهد تا براساس شعور خود بدانند که صاحبان آنها در دنیا چه کرده است و براساس نطق خود تکلم کنند و از آنچه که واقع شده است خیر بدهند این نظریه با مفهوم شهادت تطبیق نمی کند.

به معنایی که مذکور گردید درباره «جمادات» ممکن نیست توجهی می کنند و توجهات مورد نظر آنها در مقاله پیشین ذکر گردید ولی گروه دیگر از علماء که از جمله آنها استاد بزرگوار ما علامه طباطبائی قدس الله سره می باشد بر این اساس که کلیت موجودات این جهان را دارای علم و ادراک می دانند این قبیل آیات و احادیث را بر معنای ظاهر خود حمل می کنند و شهادت آنها را صحیح می دانند.

قسمتی از مطالب استاد بزرگوار در مقاله قبل مذکور گردید و قسمت دیگری از کلام آن مفسر بزرگ قرآن که در تفسیر این آیات: «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُنَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَقَالُوا لَوْلَا جَلَدُنَا لَمَّا نَشْهَدُهُمْ غَلَبْنَا قَالُوا أَنْظَفْنَا إِلَهُ الَّذِي أَنْزَلَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَشْهَرُونَ أَن نَشْهَدَ عَلَيْهِمْ سَمْعَكُمْ وَلَا أَبْصَارَكُمْ وَلَا جُلُودَكُمْ وَلَكِنْ فَتَنَّاكُمُ أَنْ لَّيْسَ اللَّهُ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ»^۱ یعنی هنگامی که دشمنان خدا بر در



از آن پس توجیهاتی را که در مقاله گذشته از علامه مجلسی نقل کردیم بدون اینکه نامی از ایشان برده باشد ذکر میکند و می فرماید این توجیهات هیچیک صحیح نیست و حقیقت همان است که ما گفته ایم که همه موجودات جهان دارای علم و شعور می باشند و بر آن اساس شهادت به معنای واقعی خود نسبت به زمین و زمان و اعضای بدن درست است و ما نباید آیات قرآن مجید را برخلاف ظاهر خود حمل کنیم و ظاهر آیه قرآن این است که چشم به آن گناهی که در دنیا دیده است و گوش به آنچه که شنیده است شهادت خواهد داد و اینکه در پاسخ اعتراض آن افراد که به پوست بدن خود در روز قیامت می گویند: «لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا» - چرا علیه ما شهادت دادید؟ این عبارت را خداوند ذکر کرده است که «قَالُوا انطقنا الله الذي انطق كل شيء» دلیل آنست که پوست بدن دارای درک و علم است زیرا کلمه «قَالُوا» درباره صاحبان عقل بکار برده می شود و معنای کلمه «نُطِقُوا» اظهار کردن آنچه که در ضمیر از راه سخن گفتن است می باشد بنابراین، ذکر الفاظی از قبیل شهادت نطق و قول، در کلام حق تعالی اقتضاء می کند که این اعضا دارای درک و شعور و قدرت حفظ و ضبط و نطق و بیان باشند بعد از آن می گویند کسانی که با توجیهات خود این آیات را بر معنای مجازی حمل می کنند و چنین تصور می نمایند که غیر از طبقه انسان و حیوان و فرشته و جن، موجودات دیگر فاقد علم و نطق می باشند برخلاف آیات قرآنی گام برمی دارند زیرا ما هیچ دلیلی نداریم که غیر از این انواع چهارگانه برای موجودات دیگر علم و شعور قائل نباشیم بلکه مقتضای آیات قرآن این است که همه موجودات دارای علم و شعور می باشند.

پس از آن آیاتی از قرآن را که دلالت بر علم و ادراک موجودات دارد که از آن جمله است: «بِوَسْطِهِ تُحَدَّثُ أَخْبَارُهَا بِأَنَّ زَيْتًا أَوْحَىٰ لَهَا»^۱

(یعنی زمین در روز قیامت مردم را به حوادثی که در آن رخ داده است آگاه می سازد که خداوند به آن الهام می کند) ذکر می کند و در توضیح آنها این سؤال را مطرح می کند که اگر جمادات و گیاهان مانند انسان دارای شعور و اراده باشند نباید از آنها هم مانند انسانها و حیوانات اعمال و کارهایی که نمایانگر علم و شعور است صادر شود و حال آنکه چنین آثاری هرگز از آنها مشاهده نمی شوند و در پاسخ این سؤال می گوید ما دلیلی نداریم بر اینکه علم و دانش بگونه است بلکه می توان گفت که علم دارای مراتب متعددی است و آن مرتبه از علم و ادراک که در جهان انسانها و حیوانات جلوه گر است با آن مرتبه از علم و ادراک که در عالم گیاهان و جهان جمادات وجود دارد تفاوت دارد بعلاوه آن آثار و اعمال شگفت انگیز و مستعجبی که در عالم گیاهان و سایر انواع طبیعی مشاهده می شود از لحاظ اتقان و نظم و ترتیب، اثرات و اعمالی که در جهان انسانها و حیوانات دیده می شود کمتر نیست.^۲

براساس این برداشت از آیات قرآن مجید، همه موجودات جهان دارای علم و شعور است و انسان در هر نقطه ای که به انجام عملی دست بزند هر عضوی از اعضای بدن انسان و هر وسیله که انسان با آن وسیله به سوی انجام عملی شتافته است و هرگونه آلات و ابزارهای که در انجام آن عمل از آن کمک گرفته و نیز هر راهی را که پیموده و هر زمانی که در آن زمان آن کار را انجام داده همه و همه اینها با قوه ادراکی که دارند به آن عمل علم پیدا

می کنند و در خود ضبط و بایگانی می نمایند و شهادت می دهند. علاوه بر همه اینها خداوند متعال نیز همه جا حاضر و ناظر است. از اینجا روشن می شود که در این عالم مکان خلوت وجود ندارد و تصور اینکه فلان نقطه خلوت است تصویری است بی اساس و اشتباه آمیز، از اینجا است که در آیاتی که ذکر گردید بعد از آیه ای که مربوط به شهادت اعضای بدن بود می فرماید: «وَمَا كُنْتُمْ تَسْتُرُونَ ان يشهد عليكم سمعكم ولا ابصاركم ولا جلودكم ولكن ظننتم ان الله لا يعلم كثيرا مما تعملون وذلكم ظنكم الذي ظننتم بربكم فاصبحتم من الخاسرين»^۳.

یعنی: شما هرگز در استتار و در خلوت نبودید و تصور هم نمی کردید که گوش و چشم و پوست بدنتان امروز علیه شما شهادت بدهند ولی چنین می پنداشتید که خداوند بسیاری از آنچه را که انجام می دهید نمی داند و این تصور و گمان باطل موجب هلاک شما گردید و امروز از زیارتکاران شدید. بنابراین سراسر جهان هستی بر پایه تدبیر ربوبی زنده و دارای دانش و ادراک می باشد و هر یک مانند دستگاه ضبط صوت و دستگاه فیلمبرداری دقیق گفتار و رفتار انسانها را ضبط و نگهداری می کنند تا در روز قیامت به پیشگاه حضرت حق برای تحقق قضاوت عادلانه الهی تحویل بدهند.

بر این اساس واقعیت جهان هستی این است هر چند ما راهی برای پی بردن به بطون ذات آنها نداریم و زبان آنها را نمی دانیم و با ما نامحرم جلوه میکنند.

عالم الفسرده است نام او جماد

جماد الفسرده بود ای اوستاد

باش تا خورشید حشر آید عبان

تا ببینی جنش جسم جهان

این حلقه های درس روبرو گسترش نهاد حتی در عهد امام صادق علیه السلام، تعداد مدرسین صاحب حوزه به چهار هزار رسید چنانکه از این عقده نقل شد که اسماء این مدرسین را در کتابی جمع و تدوین کرده است، و از این رهگذر مجتمعات اسلامی بیدار در بلاد مختلف شکل گرفت، و مرشد و معلم تربیت و تعلیم یافته در حوزه اهل البیت علیهم السلام به ارشاد و ساختن آنان می پرداختند و برای آنان مرجع حل مشکلات فقهی و علمی بودند، و حقوق مالی خویش را به آنان می پرداختند که به امام علیه السلام ایصال کنند یا با اذن آن بزرگوار مصرف نمایند، حتی امام باقر علیه السلام به ابان بن تغلب امر فرمودند: «اجلس فی مسجد المدینه وافت الناس فاتی احب ان یری فی شیعی مثلك».

(رجال النجاشی - ص ۱۰)
شاگردان حوزه ائمه علیهم السلام، احادیثی را که از آن بزرگواران استماع می کردند می نوشتند و در رساله های کوچکی جمع و تدوین

می کردند که هریک از آن رساله های کوچک را اصل می گفتند و مجموع آنها بنام اصول نامیده شده است، و تعداد آنها چهارصد اصل بوده که به اصول اربعمאה مشهور گردیده است و تدوین آنها از عهد امیرالمؤمنین علیه السلام آغاز گردید و تا عصر امام حسن عسکری علیه السلام به این تعداد رسیده و در فرصت دیگر معنی اصل را در اصطلاح محدثین، و کیفیت تدوین جوامع حدیثیه را خواهیم توضیح داد ان شاء الله.

ظاهراً بهمین واقعیت تاریخی، عبارت وصیتنامه سیاسی الهی امام رضوان الله علیه ناظر است: «ما مفتخریم که باقر العلوم بالاندرین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدا بتعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، مقام او را درک نکرده و نتواند درک کرد، از ما است و ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست.»

بقیه از گواهان روز قیامت

چون عصای موسی اینجا مار شد
عقل را از ساکنان اخبار شد
بارۀ خاک نورا چون زنده ساخت
خاکها را جملگی باید شناخت
مرده زبشویند و ز آنسوزنده اند
خافش اینجا و انطرف گوینده اند
چون از آنسوشان فرستند نزد ما
آن عصا گردد سوی ما ازدها
کوهها هم لحن داودی شود
جوهر آهن بکف موسی شود
باد حتمال سلیمانی شود
بحرینا موسی سخندانسی شود
ماه بنا احمد اشارت بین شود
نار اسراهم را نسوین شود
خاک فارون را چوماری درکشد
آسشن خنانه آید در زشد
سنگ احمد را سلامی میکند
کوه بحیی را پیامی میکند
جمله ذرات عالم در نهان
با نومی گویند روزان و شبان

ما سمعیم و بصیر و باهتیم

بنا شما نامحرمان ما خائشیم
چون شما سوی جمادان می روید
محررم جان جمادان کی شوید
از جمادی در جهان جان روید
غفل اجزای عالم بشنوید
نطق آب و نطق خاک و نطق گیل
هست محسوس حواس اهل دل
حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در راستای
همین واقعیت است که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ
سَبَّحَانَهُ وَتَعَالَى - لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا لِعِبَادٍ مَفْتَرُونَ فِي
لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ نَطَقَ بِهِ حُبْرًا وَأَخَاطَ بِهِ عِلْمًا
أَعْضَاؤُكُمْ شُهُودٌ وَجَوَارِحُكُمْ جُنُودٌ وَصَمَائِرُكُمْ
عُيُوبٌ وَخَلْوَانُكُمْ عِيَانٌ»^۱
بر خداوند متعال آنچه را که بندگان در
شب و روزشان بجا می آورند پوشیده نیست از
کوچکترین کار آنها آگاه و به کردارشان دانا
و محیط است.
اعضای شما گواهان خدا و اندامتان
لشکرها و فرمانبران او می باشند اندیشه های
شما دیده بانهای خداوند و نهانهای شما نزد او
آشکار است.

و نیز فرمودند: «عِبَادَ اللَّهِ احْذَرُوا يَوْمًا تَقْصُصُ
فِيهِ الْأَعْمَالُ وَتَكْتَفَرُ فِيهِ الزَّلْزَالُ وَتَسْبُ فِيهِ الْأَقْلَانُ
إِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ عَلَيْكُمْ رِضْدًا مِنْ آتِيكُمْ وَخُبْرًا
مِنْ جَوَارِحِكُمْ وَخَفَاطَ صِدْقِي يَتَقَطُّونَ أَعْمَالَكُمْ
وَعَدَدَ آفَائِكُمْ لَا تَسْرُرُنَّ مِنْهُمْ طَلْعَةَ لَيْلٍ ذَائِعٍ وَلَا
يَكِلُكُمْ مِنْهُمْ بَابَ دُورَانِجٍ»^۲

بندگان خدا بترسید از روزی که در آن
اعمال مورد بررسی قرار می گیرد و اضطراب و
نگرانی در آن بسیار است و کودکان در آن پیر
می شوند.
بندگان خدا بدانید دیده بانانی از وجود
خودتان و جاسوسهایی از اعضا و اندامتان
بر شما گماشته شده است و نگهدارند گانی از
روی راستی اعمال شما را نگاه می دارند و
شماره نفسهای شما را ضبط می نمایند،
تاریکی شب تار شما را از آنها نمی پوشاند و
درهای محکم بسته شده شما را از آنها پنهان
نمی کند.

- ۱- سوره فصلت، آیه ۱۹-۲۲. ۲- سوره زلزال، آیه ۴ و ۵.
- ۳- تفسیر المیزان، ج ۱۷ ص ۴۰۲ و ۴۰۶.
- ۴- سوره فصلت، آیه ۲۲ و ۲۳.
- ۵- نهج البلاغه، از خطبه ۱۹۰.
- ۶- نهج البلاغه، از خطبه ۱۵۶.